

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله سوم: اهداف پایانی
فصل دوم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله سوم

فصل دوم

پایان چیست؟

همه می دانند "پایان" چه معنی دارد، اینطور نیست؟ اما در خصوص پایان مشاوره، معنی آن ساده نیست. کسانی که فکر می کنند "پایان" اتمام مشاوره را اعلام می کند، دیدگاه باریکی از آن را دارند. پایان در مشاوره مسیحی جوانب زیادی را دارد، از جمله پایان گناه، پایان راه های اشتباه، پایان فکر و روحیه ناسالم، و نهایتاً، اتمام مشاوره. البته نمی توان گفت تغییراتی که متقاضی لازم دارد پایانی را همراه خواهد داشت (تا زمان حیات جسمانی که داریم، همه در حال تغییر خواهیم بود)، و در نتیجه در مرحله پایانی مشاوره، رابطه ای میان راه حل های ارائه شده و اتمام مشاوره باید برقرار شده باشد. البته ایده آل آن است که مشاوره زمانی پایان پذیرد که تمام مسائل متقاضی حل شده باشند، و اگر چه ایده آل و واقعیت کمتر با هم برابر می شوند، حذف مشاوره باید آن باشد که این دو را نزدیک به هم نماید. نتیجتاً اتمام مشاوره را نمی توان به سادگی پایان کار نامید. اتمام مشاوره یعنی پایان نیاز های متقاضی به مشاوره.

در این قسمت از کتاب، من نه تنها به شما کمک خواهم کرد تا بتوانید زمان فرا رسیدن اتمام مشاوره را برآورد نمائید، بلکه راه های مختلفی را نشان خواهم داد تا به حذف مطلوبی از پایان کار بدست آورید.

تا زمانی که قطع رابطه از جانب مشاور یا متقاضی اعالم نشده، بهتر است اتمام را به تعویق انداخت. اگر مشاور رازی است، ولی متقاضی راضی نیست، ممکن است بخاطر سوء تفاهم باشد. ممکن است متقاضی انتظار بیشتری از آنچه بدست آورده را داشته، و مشاور توانایی ارائه آن را نداشته است. اگر متقاضی رازی است، ولی مشاور ناراضی است، ممکن است مشاور برداشت نادرستی را داشته، اما با احتمال زیاد بخاطر آن است که مشاور ارزش خدمت خود را بیش از رضایتی که متقاضی دارد، به حساب آورده است. او کار های بیشتری را می بیند که باید انجام بگیرند، یا نیاز به تحکیم و ادغام دست آورده ها را کرده باشد. نتیجتاً، می بینیم که از زوایای مختلفی می توان به اتمام صحیح مشاوره نگاه کرد.

موضوع دیگری نیز هست که باید در نظر گرفته شود. مشاوره نباید (بطوری که قبلاً به آن اشاره شد) تبدیل به پایان رشد، تغییر، و پیروی از عیسی مسیح بگردد. در رابطه با این موضوع ها است که باید به چگونگی روابط متقاضی با مشاورش و همچنین با کلیسایش رسیدگی نمود. امکان زیادی دارد که متقاضی پس از پایان جلسات مشاوره، به تغذیه عادی کلیسایش بر گردد، و نیاز به رسیدگی خاصی از جانب رهبران کلیسایش نداشته باشد. اما اگر چنین امکانی برایش فراهم نباشد، می توان آن را از طریق ایجاد تغییراتی که باعث قدرت، سکونت، و ریشه دوانی می گردند (به مرحله دوم، فصل اول، صفحه ۶ این کتاب رجوع نمائید)، به وجود آورد. و در موارد استثنائی، این تغییرات ممکن است شامل تغییر کلیسای متقاضی نیز بگردد تا آن تغذیه لازم را بدست آورد. حال می بینیم که پایان، شامل تغییرات نابهنگام و غیر طبیعی نیز می باشد. پس نباید پایان را بگونه ای دید که همه چیز تمام می شود، بلکه جریان تازه ای است که در زندگی ادامه می یابد. کمتر موردی هست که اهمیت بیشتر از آنچه صحبت از آن می کنیم دارد، و به این خاطر قسمت عمده ای از این مرحله را به آن تعلق داده ام.

اگر شما به عنوان مشاور تازه کار بخود گفته باشید، "من تابحال این گونه به پایان مشاوره نگاه نکرده بودم"، بیاد داشته باشید، تا زمانی که این موضوع ها را مد نظر قرار نداده اید، پیشرفت

های بدست آمده پس از پایان کار امکان زیادی دارند که از میان بروند. این نتیجه ای نیست که خدا می خواهد، و باعث دل شکستگی متقاضی شما نیز خواهد شد. البته ناگفته نماند که هر مقدار سعی و کوشش خود را کنیم، آنگونه نخواهد بود که ”همه کار“ بخوبی پیش خواهد رفت. موارد بسیاری هستند که میتوانند باعث خراب شدن اوضاع بگردند، و اکثر آن ها را نه شما و نه متقاضی می توانید پیش بینی کنید. اما در خدمت مشاوره مسیحی، سعی باید بشود تا پاسبان آنچه بدست آمده در مقابل شرارتی که وجود دارد ایجاد بگردد. راجع به این موضوع نیز بعداً صحبت خواهیم کرد. در خلاصه، آنچه از پایان کار مشاوره مسیحی بدست آوردیم این است که متقاضی را ”رها“ نمی کنیم. موضوع تنها پایان جلسات هفتگی نیست، بلکه گذار تازه ای است که متقاضی باید بگذراند. اگر چنین نباشد، خلاء ایجاد شده (که در مرحله دوم، فصل یازده، صفحه ۳، صحبت از آن کردیم) متقاضی را به راه های گذشته اش باز خواهد گرداند. مشاوران مسیحی باید مسئولیت آنچه بر متقاضی واقع می شود را تا جایی که به ایشان مربوط می شود بعهده بگیرند (بدون آنکه وابستگی بخود ایجاد کرده باشند).

امیدوارم بیشتر متوجه آنچه لازمه فکر و رسیدگی در ”اهداف پایانی“ است، شده باشید. فکر نکنید که اهمیت ندارد، و یا تنها یک راه برای پایان باقی است. موارد بسیاری هست که باید بیاموزید. اگر تا بحال راجع به این مطالب فکر و رسیدگی نکرده باشید، امیدوارم این مرحله کمک کند تا خدمت خود را به درجات بالاتری برسانید.